

مهرنما درم را بخورند

حمزه اینی (فرداد)

www.ketab.ir

نویسنده: امینی حمزه (فرداد)

مرغ‌ها پدرم را خوردند

موضوع	داستان کوتاه
عنوان	مرغ‌ها پدرم را خوردند
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۹۶۵۴۱-۹-۲
ناشر	لعیا



سرشناسه	۱۳۶۲، امینی، حمزه (فرداد)،
ویراستار	امینی، حمزه
مشخصات ظاهری	۲۰۴ صفحه
کتابشناسی	۶۱۱۹۲۷۱
چاپ اول	۱۳۹۹
ناشر	لعیا - ۰۹۱۵۱۰۴۰۲۷۷
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۹۶۵۴۱-۹-۲
رده بندی دیویی	۳/۶۲ فا
صفحه آرا	حسینی نیا - ۰۹۳۶۱۳۵۶۶۱
طرح جلد	ترجمی یوسفی، سمانه
شمارگان	۳۰۰ جلد
قیمت	۴۵۰۰۰ تومان

چاپ و نشر منوط به اجازه رسمی از ناشر می‌باشد.

پیشگفتار

خرت و پرت‌های دنیا را زیر و رو کرده‌ای، هیچ چیزی نیست که دلت را تازه کند. هر چیزی که فک می‌کردی به دلت می‌آید را امتحان کرده‌ای. یا گشاد بود یا تنگ. حالا می‌دانی همه چیز گذراست چون تو هر روز بزرگ می‌شوی، هر روز تغییر می‌کنی، هر روز رشد می‌کنی، می‌دانی چیزی که امروز داری، فردا دیگر دلت را تازه نمی‌کند.

تو زنده می‌مانی تنها با راه‌ها و بارها بگردی و چیزی پیدا کنی که هم‌اندازه‌ی دلت باشد. چیزی همیشگی. اما از گشتن خسته می‌شوی. حقیقت این است تو رشد می‌کنی و هیچوقت چیزی که همیشه اندازه‌ی دلت باشد پیدا نمی‌کنی. زندگی چیزی شبیه بازی "بگرد و پیدا کن" است و تنها با عشق به پایان می‌رسد. چیزی جادویی که یا رامت می‌کند یا آرامت.

می‌گویند حرف‌های گذشته و امروزت یکی نیست. می‌گویند نمی‌دانی چه می‌خواهی. می‌گویند نمی‌دانی با خودت چند چندی؟ می‌گویند... آنها چیزی را که می‌بینند می‌گویند، نه چیزی که درست است. تو عوض نشده‌ای فقط از چیزهایی که دلت را تازه نمی‌کند دست برمی‌داری. گاهی فکر می‌کنی یک جای کار اشکال دارد شاید تنها چیزی که باید به دست بیاوری این است که یاد بگیری از دست بدهی.

فهرست

نام داستان	صفحه
مردی که هشتش گروی نه‌اش بود	۱
بازی اسم فامیل	۲۶
عمر بابا نوح	۴۵
کفش‌های کنانی قرمز	۶۳
زندگی بعد از نیمه شب	۶۹
چاه عمیق	۷۸
پادشاه شهر دیوانگان	۹۷
هندوانه فروش	۱۱۱
اتلانتیک گمشده	۱۳۱
مرغ‌ها پدرم را خوردند	۱۴۹
تقدیرنامه	۱۷۱
مجبورم خرگوش بپوشم	۱۸۰